# سوختن ویرانه سیاه فکر

علیرضا امیرحاجبی

۱- قبل از اینکه طبق معمول به معرفی و بحث درباره کتابی بپردازم، به شکلی استثنایی باید به رویدادی اشاره کنم که باعث حیرت شدید من شد و آن به آتش کشیده شدن یکی از قدیمی‌ترین کتابخانه‌های شمال آفریقا در کشور مالی و شهر تیمبوکتو توسط شورشیان القاعده است. آثار دستنویس «کتابخانه احمدبابا» واقع در تیمبوکتو قدمتی چند صدساله داشت و به همین دلیل سازمان فرهنگی و علمی ملل متحد یونسکو آن را در فهرست میراث جهانی قرار داده بود. شما تصور کنید که وارد یک ساختمان قدیمی با معماری عجیب شمال‌غربی آفریقا شده و با گنجینه‌ای از کتب دست‌نویسی مواجه می‌شوید که قدیمی‌ترین آنها مربوط به سال ۱۲۰۴ میلادی است. خوب به اطراف نگاه می‌کنید انواع کتب لاتین مسیحی اناجیل اربعه دست‌نویس، چندین جلد قرآن کریم متعلق به قرن هفتم هجری با تذهیب‌های فوق‌العاده زیبا و چشم نواز. تصویرنگاری‌های قرن سیزدهم و چهاردهم انجیل و مکاشفات یوحنا، کتاب‌هایی در زمینه جغرافیا با نقشه‌هایی جالب توجه که ایده‌های مسلمانان و نیز مسیحیان آن دوران از ماهیت طبیعت و سرزمین‌ها مشخص می‌کند. هنر مسیحی که با سلایق مسلمانان ادغام شده است و البته رنگ و بویی کاملا آفریقایی دارد. هنری تلفیقی که از هر بوستان گلی را در گلدانی زیبا قرارداده است و این گل‌ها در طول زمان با یکدیگر پیوند ایجاد کرده‌اند. آثار زیادی از چند مستشرق فرانسوی و آلمانی قرن نوزدهمی نیز در این کتابخانه موجود بود ازجمله گزارش هاینریش بارت آلمانی. بسیاری از کتب خطی این کتابخانه توسط چند اندیشمند مالی از جمله احمد بابا به اشکال مختلف حفظ و نگهداری شده بود از جمله قرار دادن کتاب‌ها در جعبه‌های چوبی و سپس دفن آنها در خاک یا پنهان کردن آنان در غارهای دور افتاده. هنوز تعداد زیادی از این صندوق‌های چوبی در کتابخانه باقی مانده که اکثرا قیراندود است. این رویداد فاجعه بزرگی برای جهان فرهنگ قلمداد می‌شود. اندیشه القاعده کار را از تخریب ساختمان‌ها یا تندیس‌ها فراتر برده و دست به نوع جدید «فارهایت» زده است. این شورشیان حتی لحظه‌ای به وجود قرآن‌های نفیس نیز فکر نکردند و با علم بر وجود کتب مقدس به راحتی دست به آتش بردند و

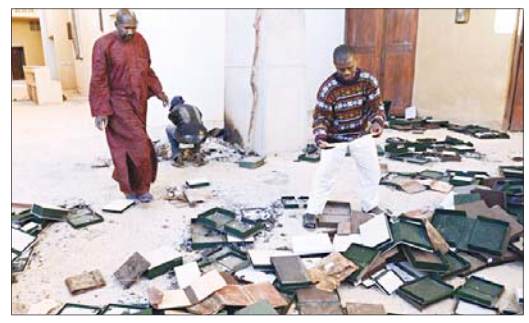

هر دوساختمان کتابخانه را در عرض چند ساعت تبدیل به ویران کردند. جالب اینکه شهردار تیمبوکتو می‌گوید هنوز دقیقا نمی‌دانیم چند کتاب ازبین رفته و چند کتاب نجات یافته است. پروژه جمع‌آوری و ساماندهی کتب خطی مالی از سال ۲۰۰۲ آغاز و تحت پشتیبانی سازمان یونسکو و نیز دانشگاه کیپ‌تاون تا به امروز ادامه داشته است. حال باید دید مسوولان یونسکو و سایر مدیران فرهنگی مالی و فرانسه که سربازان‌شان در این کشور حضور دارند چه اقدامی برای حفظ بقایای این گنجینه بی‌نظیر خواهند کرد.

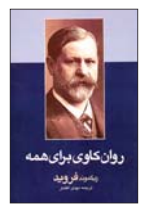

**روانکاوی برای همه**
**زیگموند فروید**
**ترجمه: مهدی افشار**
**نشر: سرایش**

۲- برای این بخش کتابی مفید را در نظر گرفته‌ام به نام «روانکاوی برای همه» اثر زیگموند فروید بنیان‌گذار علم روانکاوی. اول پرسشی که در زمینه روانکاوی و ماهیت یا چیستی آن برای همگان مطرح می‌شود این است که این علم نوظهور قرن بیستمی از چه سخن می‌گوید؟ چه چیز باعث آن شده تا مورد خطاب و اعتاب شدید منتقدان از سمتی و تجلیل و ستایش برخی از سویی دیگر شود؟ جوهره اصلی روانکاوی بررسی بخشی از وجود انسان است که تا زمان فروید آنچنان مورد شناخت قرار نگرفته بود: «ناخودآگاه» بخشی مبهم و تاریک که بسیاری از اقدامات، رفتار، عادات و طرز تفکر انسان از آن سرچشمه می‌گیرد. مساله دیگر مرتبط با ناخودآگاه، پدیده رویاست که آن‌هم به دلیل ارتباط با ناخودآگاه و سرزمین ناشناخته آن بسیار مبهم و غیرقابل دسترس می‌نماید. فروید همواره می‌گفت دشمنان اصلی روانکاوی کسانی هستند که این علم را به درستی معرفی نمی‌کنند. پس تا آنجا که می‌توانم باید سعی کنم کمتر به تحلیل‌های شخصی بپردازم مبادا من نیز از جمله این دسته دوستداران روانکاوی محسوب شوم. نکته دیگر در روانکاوی تشخیص و کشف پدیده‌ای بود که فروید آن را اصلی‌ترین عامل رشد و تکامل بشریت و تمدن می‌داند: «عقده ادیپ». وی در نامه‌ای به دوست صمیمی‌اش فیلیس می‌نویسد که درباره علل مختلف سرکوب و نهادهای سرکوب‌گر انسان به این نتیجه رسیده که الگوی تراژدی ادیپ اثر سوفکل یونانی یک ایده عام و همگان شمول است که بر مبنای آن می‌توان به ترسیم هویت و مراحل مختلف رشد انسان رسید.

کتاب روانکاوی برای همه از جمله آثار نیمه شناخته شده فروید در روانکاوی است که بخش مهمی از آن به شیوه پرسش و پاسخ طرح‌ریزی و ارایه شده است. نوعی مکالمه بین فروید و شخصی بی‌طرف. این روش در زمان فروید کاملا نادر بوده و حتی خود فروید نیز برای اولین و آخرین بار چنین اثری خلق می‌کند. ترجمه یکدست و روان مهدی افشار به خواندن متن کمک فراوانی به مخاطب می‌کند. متنی به‌قول خود فروید برای آشنایی دانش‌آموختگان رشته‌های غیرپزشکی تا به تدریج پیچیدگی‌های روانکاوی در چنین متونی کمتر شود.

---

### نگاهی به تصحیح انتقادی شاهنامه فردوسی، تالیف مهری بهفر

# مادربزرگ من

سپیده شاملو

بسیاری از ما نمی‌دانیم اگر کتاب نخوانیم یا صفحه‌ای سفید را سیاه نکنیم چطور پاهای خود را بر این سبکی تحمل‌ناپذیر هستی محکم کنیم. گاهی هم نمی‌خوانیم و نمی‌نویسیم، همان وقت است که تحمل‌ناپذیر هستی معنا می‌شود. سپاس تمام نویسنده‌های بزرگ را که هرگز کتابخانه‌های ما را بی‌کتاب نخوانده، خوب نگذاشته‌اند. همیشه کتاب خوبی برای خواندن همین نزدیکی هست. کافی است دستت را دراز کنی اما کتاب‌هایی هم هستند که گرچه نزدیک ولی از ما دورند. نزدیک چون چنان از عمق جان انسانی گفته‌اند که با خواندن‌شان احساس می‌کنیم چقدر سهل، چقدر آسان، چقدر آشنا و دور چون گاهی از زمان‌های دور می‌آیند، گاهی از زبان‌های دور، گاهی از مکان‌های دور و گاهی از همین جا و همین زبان و همین امروز، اما با خود توشه‌ای از راه‌های دور دارند که به نظر غریبه می‌نمایند. منظورم کلاسیک‌هاست. همان‌ها که طی قرن‌ها و گاهی هم سالیان همچنان بزرگ، نزدیک و دست‌نیافتنی مانده‌اند. همان‌ها که توانسته‌اند بالاتر از زمان و مکان قرار بگیرند. همان‌ها که به قول کالوینو از اعتراف به نخواندن‌شان، حداقل یک‌بار، شرمگین می‌شویم. حدود دو هفته پیش اتفاق خجسته‌ای افتاد. دفترِ یکم شاهنامه فردوسی/ تصحیح انتقادی و شرح یکایک ابیات، تالیف مهری بهفر بعد از ۱۰ سال انتظار چاپ و منتشر شد. چرا می‌گویم خجسته؟ چون شاهنامه فردوسی آن کلاسیک بزرگی است که با خود تمام مولفه‌های کلاسیک ملی را هم دارد. من واقعا در حد و اندازه‌ای نیستم که بخواهم شاهنامه را معرفی کنم، اما آنچه خود من را به خواندن آن ترغیب می‌کند و آنچه من را از نخواندن آن شرمگین، چند ویژگی مشخص و ساده است و چند دلیل ساده‌تر برای انتخاب کتاب مهری بهفر.

پیش از اول نوعی هیجان خاص است. شده تا به حال دوستی، ناشری، شاعری شما را به عنوان اولین خواننده انتخاب کند و قصه‌ای، شعری، رمانی به شما بدهد که وقتی می‌خوانیدش، جدای از قضاوت درمورد متن، می‌دانید کسی پیش از شما آن را نخوانده. حس خاصی با این موضوع همراه است، اما در نظر بگیرید متنی داشته باشید که وقتی آن را می‌خوانید می‌دانید صد سال پیش، ۲۰۰ سال پیش، هزارسال پیش، دو هزارسال پیش و... خوانده و شنیده شده. انگار جایی در منطقه‌ای وسیع جشنی بر پاست با حضور هزارساله‌ها و حالا شما هم دعوتید. این حس و این هیجان و این کنجکاوی دلیل پیش از اول است. اول اینکه نشده شاهنامه را به دست بگیرم و تا وقتی مانعی واقعی پیش بیاید بتوانم رهایش کنم. نشده نخواهم آن را با صدای بلند بخوانم و نشده لذتی که از خواندنش می‌برم هیچ‌جا کم شده باشد. (این لذت را با خواندن لیلی و مجنون و حافظ هم تجربه می‌کنم و با شعرهای شاملو هم البته). از آن جنس لذت‌ها که سبکی تحمل‌ناپذیر هستی را تحمل‌پذیر می‌کند. می‌دانیم که فاصله مزاحم لذت است و هر چیزی که بین ما و متن فاصله ایجاد کند، چنین پارازیتی است. مهری بهفر با تصحیح شاهنامه (به روشی اصولی و نه دلی که خود در مقدمه، روند علمی آن را شرح داده) متنی را برابرمان گذاشته که به قول خودش «تا حد امکان» از تصرفات و تحریفات پیراسته شده. تصرفات و تحریفاتی که گاه ایدئولوژیک بوده، گاه ابلوموویک و گاه هم رمانتیک. بهفر با این تصحیح پارازیت‌هایی را که طی زمان روی فرستنده فردوسی انداخته شده پاک می‌کند و ما می‌توانیم شبیه‌ترین تصویر به شاهنامه را در این کتاب ملاقات کنیم. اگر تعارف را کنار بگذاریم و واقع‌بینانه وضع موجود خود را در نظر بگیریم، باید اعتراف کنیم درک معنای هر بیت از شاهنامه که از هزارسال پیش می‌آید و داستان‌های هزاره‌های پیش را می‌گوید، برای کسی با دانش ادبیات معمول آسان نیست. گاهی نفهمیدن یک بیت در لذت خواندن متن، وقفه ایجاد می‌کند. بهفر در این کتاب با آوردن معنای هر بیت در ذیل آن هرگونه وقفه‌ای را به دلیل نفهمیدن معنای بیت ناممکن می‌کند. ضمن اینکه با دانستن معنای بیت، آن‌طور که او معنا کرده (درنظرگرفتن شاهنامه به شکل اثری منسجم و ارگانیک، که هر بیت جزیی از آن است) راه به وادی دیگری می‌بریم. می‌توانیم خط داستان را پی بگیریم و آن را دنبال کنیم. آنگاه لذت تازه‌ای را تجربه خواهیم کرد که فراتر از خواندن شعر است. لذتی که از خواندن داستان، از خواندن یک اثر روایی تجربه می‌کنیم اما لذت‌هایی هم هست که متن در تو ایجاد می‌کند ولی با جنسی متفاوت. لذتی شخصی‌تر و خصوصی‌تر. شاهنامه بزرگ‌ترین اثر روایی کلاسیک فارسی است. یکی از بزرگ‌ترین حماسه‌های جهان است و می‌دانیم که حماسه مادر انواع روایت و رمان است. پس واقعیت این است که ما سنت داستان‌سرایی را از شاهنامه فردوسی تا پنج‌گنج نظامی، جوامع‌الحکایات محمد عوفی، کلیله و دمنه، طوطی‌نامه‌ها و... در بهترین و ناب‌ترین شکل خود در زبان فارسی داریم. وقتی می‌توانیم آن را بخوانیم و داستان‌ها را پی بگیریم لذت تازه‌ای را تجربه می‌کنیم. مثل لذت دیدار با مادربزرگی زیبا – بسیار زیبا – که ۲۰ساله به نظر می‌آید و قند در دلت آب می‌کند و فکر می‌کنی، نمی‌شود هیچ چیزی از او به ارث نبرده باشم! منظورم همین است. وقتی ایلیاد را می‌خوانی می‌توانی از متن لذت ببری اما ملاقات با مادربزرگِ زیبا نیست. هرقدر هم که جهان وطن باشیم و مدعی آن. یادم می‌آید سال‌ها پیش با عده‌ای از دوستان جمع شدیم و ایلیاد را شروع کردیم، نتیجه اینکه دل‌مان با هکتور و پریام بود و از خواندن جزییات آن خسته می‌شدیم. دلیلش واضح است، تا وقتی ادبیات را در زبان ملی خودت درک نکرده باشی، نمی‌توانی در زبانی دیگر به آن دست یابی. وقتی ما هنوز ندانسته باشیم که حماسه و افسانه را چطور باید خواند و قوانین و آیین آن چیست، همین می‌شود که بی‌احترامی و پیمان‌شکنی بزرگ پاریس ته دل‌مان بخشیده شود و درد آشیل، دردی جانکاه برایمان نشود. دوم اینکه نمی‌شود منکر فاصله‌های دور تاریخی و فرهنگی شد. آن همه جزییات در مورد ارابه‌ها و درخشش اسلحه‌ها، چیزی است که فردوسی با ایجاز از آنها می‌گذرد و ما را با بقیه قصه همراه می‌کند. موضوع ارزش‌گذاری نیست، موضوع تفاوت تاریخی، فرهنگی و ژنتیک مادربزرگ ما و آنها/ ما و آنها است. معنی جهان وطنی بی‌وطنی نیست. ما می‌توانیم با همه مادربزرگ‌های زیبا ملاقات کنیم، اما هرکس معنای مادربزرگ را اول با مادربزرگ خویش درک می‌کند. در روزگاری که مدام از جبر جغرافیایی و ناگواری‌های جبری می‌نالیم، شاهنامه عین بخت یاری است. شاهنامه در معنای «نامه خدایان» روایت داستان‌هایی است پیش از تاریخ. پیش تاریخی که در اسطوره، حماسه و افسانه‌ها عینیت پیدا می‌کند. بازشناسی این اسطوره‌ها و افسانه‌ها شریک‌شدن در رویاهای جمعی پیشینیان ماست، شریک‌شدن در آرزوها، ترس‌ها و امیدهای آنهاست که چون نیک بنگری... و خود را در آنها نیابی، تزویر کرده‌ای! تنوع اساطیر در شاهنامه حیرت‌انگیز است؛ اساطیری که گاه برای ساختن تاریخ ساخته شده‌اند؛ اساطیری با ریشه‌های طبیعی که برای توجیه و تفسیر نیروها و شگفتی‌های طبیعی ساخته شده‌اند؛ اساطیری که ریشه‌های روان‌شناختی دارند و تو نیکی و بدی/ راست و دروغ را در آنها تشخیص می‌دهی و اساطیری که برای توجیه آیین‌ها ساخته شده‌اند. شنا کردن در چنین اقیانوسی لذتی بی‌همتا دارد؛ اقیانوسی از آن خود، اما بسیاری ملل چنین «خدای نامه»ای را در زبان خود ندارند. اینکه فردوسی هزارسال پیش در آخرین فرصت‌های موجود بتواند اسطوره‌های این زبان را جمع‌آوری کرده و آنها را به نحوی بازآفرینی کند که تاب تحمل در برابر ناملایمات سیاسی و اجتماعی زمانه خود و زمانه‌های پس از خود را داشته باشد اگر معجزه نیست، حتما بخت یاری است. مخصوصا که نمی‌توان با کلنگ خرابش کرد یا آب زیر ساختمانش بست. لذتی که با درک این معنا از خواندن شاهنامه می‌برم مثل لذت داشتن یکی از ۱۰ رولز رویس موجود در جهان است. مهری بهفر با بخشی که ذیل هر بیت به گزارش کلمات و ریشه‌شناسی آنها اختصاص داده این لذت را برای ما (که حوصله، وقت، منبع و دانش لازم را نداریم – بهمان بر نخورد، دانشی که از آن صحبت می‌کنم بسیاری از استادان دانشگاهی هم ندارند) ممکن کرده است. راستش احساس بدی دارم. احساس کسی که امروز بخواهد فریاد بزند، خبر فوری! زمین گرد است، اما نمی‌دانم چرا چیزی در درونم هست که می‌گوید تازگی‌ها باید بدیهی‌ترین موضوعات را هم یادآوری کرد... همین! باقی بقایت.

---

عطف کتاب

تازه های نشر ماهی

## فاجعه وفاداری در اسارت

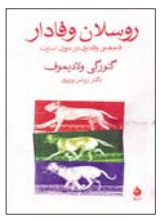

**روسلان وفادار**
**گئورگی ولادیموف**
**ترجمه: دکتر روشن وزیری**
**نشر: ماهی**
**چاپ اول ۱۳۹۱**

در میان کتاب‌هایی که به موضوع اردوگاه‌های استالینی پرداخته‌اند، رمان «روسلان وفادار» نوشته گئورگی ولادیموف جایگاه ویژه‌ای دارد. این اثر نه‌تنها مانند سایر داستان‌های گولاک گواه تکان دهنده واقعیت زمانه خویش است بلکه تحلیلی طراز اول از نظام توتالیتر، تصویری جامع از موجودی دربند، توصیفی عمیق از روش‌های اجرایی این نظام و نیز درجات مختلف خفت و خواری انسان‌ها در متن واقعیت شوروی ارایه می‌دهد. دکتر روشن وزیری در مقدمه این رمان می‌نویسد: «ماجرای تالیف و انتشار کتابی که هم اکنون در دست دارید به راستی پیچیده است. همه چیز از آنجا شروع می‌شود که نویسنده کتاب گئورگی ولادیموف حکایت رویدادی عجیب را از دوستش می‌شنود: در شهرک تیمیر تائو، در سیبری اردوگاهی بوده که در دوران زمامداری خروشچف – معروف به عصر «ذوب شدن یخ‌ها»- برچیده می‌شود. در محل اردوگاه کارخانه‌ای می‌سازند ولی سگ‌های آن اردوگاه که بنا بوده طبق دستورالعمل کلی کشته شوند، شاید به دلیل احساس ترحم ماموری زنده مانده، پراکنده شده و اکنون در گوشه و کنار پرسه می‌زنند. با آنکه به شدت لاغر و تکیده‌اند، از هیچ کس غذا نمی‌گیرند، کسی جرات ندارد جز از پهلو به آنها نگاه کند»

### تجربه مهاجرت

«همنام» نوشته جومپا لاهیری کتاب دیگری است که نشر ماهی اخیرا تجدید چاپ کرده است. همنام، یک داستان خانوادگی است با درونمایه‌ای از دغدغه‌های همیشگی لاهیری، تجربه مهاجرت، تضاد فرهنگ‌ها و پیوند گسسته بین نسل‌ها. آشوک و آشیما از کلکته به آمریکا می‌روند و می‌کوشند خود را با دنیای جدید وفق دهند، آشیما سالیان درازی در آرزوی وطنش حسرت می‌خورد. «همنام» اولین رمان این نویسنده هندی است. لاهیری می‌گوید: شاید یکی از دلایل شکل‌گیری این داستان خاطره‌هایی بود که از دوران دبستان داشتم.

---

نگاه

درباره مجموعه «یکی بود یکی نبود»
نشر کتاب پارسه

## نگاه مستقل نویسندگان به متون کهن

جواد ماه‌زاده

بازآفرینی و تلخیص متون کهن، کاری تازه در ادبیات معاصر ایران نیست. متون ادب فارسی از لیلی و مجنون گرفته تا قصص‌الانبیا و مرزبان‌نامه و... علاوه بر تصحیح، گاه دستمایه کار شاعران و نویسندگان قرار گرفته است تا با قلمی تازه و امروزی برای رده‌های سنی مختلف بازسازی و بازنویسی شود. اگر بازسازی را معادل بازنویسی و بازآفرینی را معادل بازروایی بدانیم، می‌توانیم بگوییم که جز در مواردی اندک‌شمار، غالب آثاری که براساس متون گذشته به نگارش درآمده‌اند، بازنویسی، ساده‌نویسی و تلخیص بوده‌اند.

شاید مهم‌ترین ضرورتی که کار مستقل روی متون ادبی کهن را – به‌خصوص در ایران – توجیه می‌کند، روایت‌های سردستی و گزینشی دولت‌ها و نهادهای رسمی بوده است که چه در کتب درسی و چه در کتبی که توسط ناشران وابسته ارایه داده‌اند، کوشیده‌اند بخش‌هایی از این متون را یا به صورت مکرر بازگو کنند یا به‌کل از دیده پنهان نگه دارند تا شاید مخاطب به اندازه کافی از اصل متون و کشف کلیات آن دور بماند. آنچه تحت عنوان لیلی و مجنون و قصص‌الانبیا و تاریخ بیهقی و... به دانش‌آموزان و دانشجویان شناسانده می‌شود، به قدری گزینشی، سلیقه‌ای و مطابق با اصول تحمیلی مدرسه و دانشگاه است که شاید به جرات بتوان گفت همین رویکرد، یکی از دلایل اصلی ویگردانی و دلزدگی دانش‌آموزان و دانشجویان از ادبیات کهن و معاصر به شمار می‌آید. از این‌رو، هرگونه کوشش ناشران و نویسندگان مستقل را در جهت بازنویسی یا حتی بازروایی متون کهن فارسی باید جدی تلقی کرد. رویکرد نویسنده یا بازآفرین در برگرداندن این متون به زبان ساده و امروزی، خواه‌ناخواه برهم‌زننده یک‌سری قواعد عرفی و راهگشای تغییر و نقد و تجدیدنظر است. هرگونه بازسازی و بازروایی در پدیده‌ای کهن، نوعی تجدیدنظرطلبی و نقد به حساب می‌آید. چنانچه بازآفرین در اثر خود از مرز نقد و مکاشفه فراتر برود، شاید به یک آنارشیست و معترض تبدیل شود. (کاری که احمد شاملو با حافظ کرد، نمونه‌ای از دستکاری‌های آنارشیستی محسوب نمی‌شود و آن را باید به حساب برخی جنبه‌های شخصیتی ناشی از قله‌بودگی شاملو گذاشت).

**لیلی و مجنون**
**نظامی گنجوی**
**به روایت حسن لطفی**
**چاپ اول: ۱۳۹۱**

حتی اگر بنا را بر شورش علیه اصل متن گذاشت و به قصد کوبیدن سنت و قدمت، این آثار را به شکلی دگرگون عرضه کرد، باز چیزی از قدر و قیمت آنها نخواهد کاست؛ چه همین که سبب نقد و اعتراضی شده باشد، برای آن و برای ما کافی است. رویکرد گزینشی دستگاه‌های آموزشی به متون کهن، نه از جنس نقد و اعتراض که از جنس حذف و گزینش است؛ حذف و گزینشی برخاسته از همان خودبزرگ‌بینی و خودحق‌پنداری. در چنین وانفسایی رجعت به متون کهن، هم حافظ و نگه‌دارنده آنهاست و هم بهانه‌ای برای بازگویی روایت‌هایی که جز با اتکا به جایگاه و سابقه قدما، قابل گفتن نیست. تردیدی نیست که همین امروز اگر سعدی و حافظ و فردوسی - که در مجالس و تریبون‌های رسمی ستوده می‌شوند - خود زنده بودند و باید سروده‌هایشان را برای تایید به متولیان رسمی می‌سپردند، نه شاهنامه‌ای خلق می‌شد و نه گلستان و بوستانی.

اکنون اما توفیق بازروایی، بازنویسی، ساده‌نویسی و هرگونه تلخیص یا برداشت تازه از این آثار نصیب ما شده و می‌توان جهان متنی و ادبی آن آثار را با زبان‌ها و سلیقه‌های مختلف برای رده‌های سنی گوناگون بازگو کرد. یکی از مجموعه‌هایی که به‌طور مستقل و با صرف سرمایه‌ای قابل‌توجه به این موضوع پرداخته و دست به کار بازآفرینی متون کهن ادبیات فارسی زده، مجموعه «یکی بود یکی نبود» انتشارات کتاب پارسه است که با دبیری یوسف علیخانی و با حضور نویسندگان طراز اول کشور فراهم آمده است. تا امروز هشت جلد از این مجموعه ۳۰ جلدی با در نظر گرفتن مخاطبان نوجوان، جوان و بزرگسال منتشر شده است. دو جلدی که به تازگی وارد بازار کتاب شده، یکی «قصص‌الانبیا» نوشته امین فقیری است و دیگر «لیلی و مجنون» به قلم حسن لطفی. از همین مجموعه، کتاب‌های «ویس و رامین» به روایت ناهید طباطبایی، «دیوان پروین» به روایت فریبا وفی و «فرج بعد از شدت» نوشته ابوتراب خسروی نیز منتشر شده است. «قصص‌النبیا» تالیف اسحاق بن ابراهیم بن خلف نیشابوری است که در ۱۱۶ قصه به بیان ماجرای آفرینش آسمان و زمین و سپس سرگذشت پیامبران و خلفای راشدین اختصاص دارد. امین فقیری نویسنده کشورمان ۱۷ قصه را براساس این کتاب در قالب کتاب «قصص‌الانبیا» بازنویسی کرده‌است. حسن لطفی نیز در تلخیص و منثورسازی «لیلی و مجنون» به روایت اصلی وفادار است و قصه شورانگیز و پرفراز و نشیب لیلی‌ومجنون نظامی گنجوی را با ظرفیت‌های داستانی معاصر ارایه کرده است. هر دو این کتاب‌ها از گنجینه‌های ادبی ایران هستند که سرآغاز نگارش‌ها و سرایش‌های دیگری شدند؛ به ویژه لیلی و مجنون که دستمایه خلق آثار عاشقانه دیگری شد که به تقلید از آن سروده شدند.

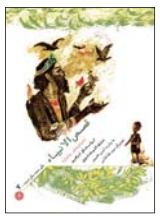

**قصص‌الانبیا**
**داستان‌های پیامبران**
**به روایت امین فقیری**
**چاپ اول: ۱۳۹۱**

حسن لطفی و امین فقیری در روایت خود از این دو اثر، سبک و قلم ساده‌ای را اختیار کرده و کوشیده‌اند در فرصتی که یک کتاب حدودا ۱۵۰ صفحه‌ای به آنها می‌دهد، ظرفیت‌های محتوایی آثار کلاسیک فارسی را به مخاطب انتقال دهند. مجموعه «یکی بود یکی نبود» اگرچه فاقد جنبه‌های زیباشناسانه متون کهن است ولی دارای جنبه‌های روایی تازه‌ای است که از نگاه مستقل نویسندگانش نشات می‌گیرد. در این مجموعه نویسندگانی چون امیرحسین خورشیدفر، علیرضا روشن، سیامک گلشیری، بهناز علیپورگسکری و... نیز به بازنویسی متون ادبی ایران پرداخته‌اند و از آنجا که انتظار سوگیری‌های رسمی و برداشت‌های سهل‌اندیشانه از این نویسندگان نمی‌رود، می‌توان این مجموعه را به عنوان منبعی امروزی برای مخاطبان نوجوان و جوان دانست که از مواجهه با اصل متون کهن پرهیز کرده یا نسبت به آنها بدبین و دلزده شده‌اند.

---

## جدول ۱۶۳۳

**افقی:**

۱- نوعی ماده الکلی که در بعضی میوه‌ها وجود دارد- کشتی جنگی یونان باستان ۲- پسر مازندرانی- قفسه شیشه‌ای- سوغات گجرات ۳- هرج و مرج- بزرگان- جمع حس ۴- نشانه جمع- پلوی آبکش نشده- معاون هیتلر- فروغ و پرتو ۵- عید ایرانیان- جای سیر ۶- جاده- تار وارونه!- خوشبخت‌تر ۷- طول شلوار از خشتک تا کمر- خانه محقر- نامی به معنی طبیعت ۸- زاری- شوهر خواهر- امپراتور دیوانه روم باستان ۹- بدن‌های مردگان- به شوق آمدن- سوپ روسی ۱۰- تک‌تک- جسد حیوان مرده- شبانگاه ۱۱- گرانمایه‌تر- نقل حدیث ۱۲- تصدیق بی‌ادبانه- ازاعضای بدن- صف- ویتامین انعقاد خون ۱۳- جامه- باایمان- ناخوش، بیمار ۱۴- شهر صنعتی آلمان- خط پیچ در پیچ- پوشیده ۱۵- مخترع برق- ترافیک سنگین

**عمودی:**

۱- فدیه- سنگینی که بر جسم فرود می‌آید- پایتخت غنا ۲- خانه ساحلی- متداول- شهرکی در کرمانشاه ۳- رودست خوردن- یکی از آهنگ‌های قدیم موسیقی ایرانی- مثل خورشید ۴- مجلل- زمین زدن حریف در بوکس ۵- خطی در دایره -ندیم آشفته!- درخت انگور ۶- دوم شخص مفرد- اثری از «گی دومو پاسان»- محصول آب و صابون- ضمیر ملکی چهارم ۷- معشوقه رامین- گوشه هندسی- رفتگر ۸- پاره- فرود آوردن- واحد شدت جریان الکتریکی ۹- رسم‌کننده- تفاله کنجد- جد ۱۰- انجیر- پسوند شباهت- سایه زنی در نقاشی- کلمه پرسش ۱۱- رودی در فرانسه- خطرپذیری- رودی در لهستان ۱۲- زن بهشتی- اثر موسیقایی بدریچ اسمتانا ۱۳- اصلاح عکس- برای رو کار ساختمان بسته می‌شود- پوست ۱۴- برد معروف- نامی دخترانه- کشور نیشکر ۱۵- تشکر فرانسوی- علم و فرهنگ – پیش خدمت

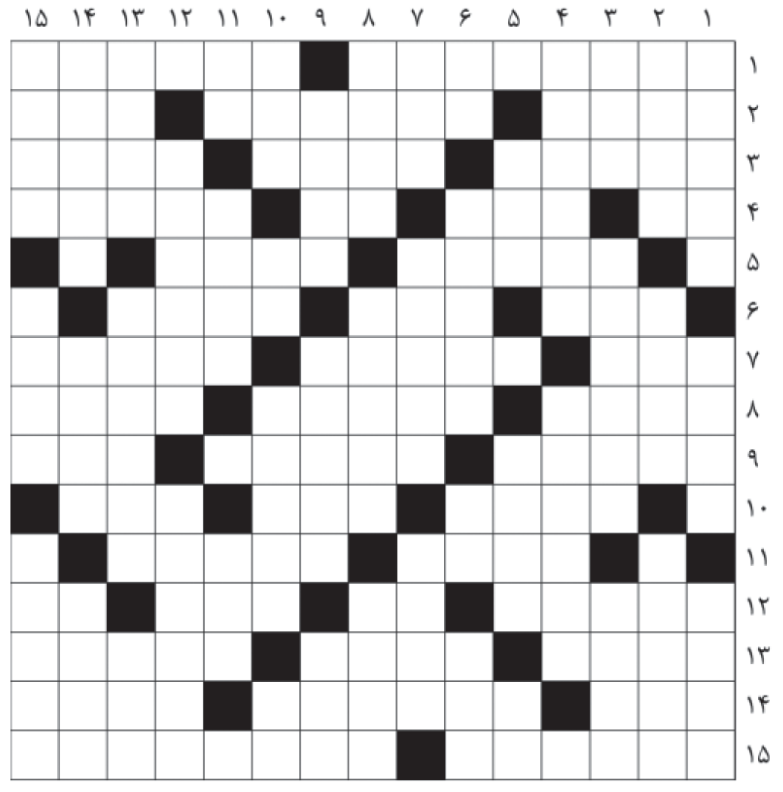

## جدول ۱۶۳۲

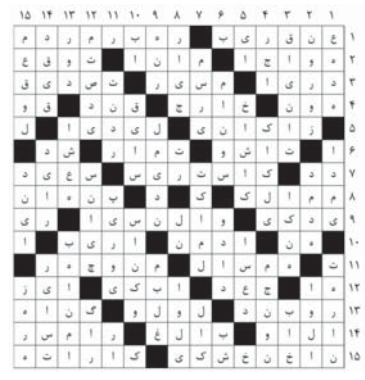

---

**قانون‌های حل جدول سودوکو:**

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

## سودوکو سخت ۲۸۶

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | ۲ | | ۹ | | | ۶ | | |
| | | | ۴ | ۶ | ۵ | | ۳ | |
| | | | | ۸ | | | ۱ | |
| | ۵ | | ۷ | ۲ | ۶ | | | ۳ |
| | | | ۱ | | ۹ | | ۲ | ۶ |
| | | ۲ | | ۴ | | ۹ | | ۷ |
| | ۶ | ۱ | | | | | ۴ | |
| ۵ | | ۳ | | | | ۷ | | |
| | | | ۵ | ۷ | ۸ | | | |

## حل سودوکو سخت

**سودوکو**

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

## سودوکو ۶۳۶

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۶ | ۳ | | | | ۷ | ۱ | ۲ | ۸ |
| ۷ | ۲ | ۱ | | | ۶ | | ۵ | |
| | ۴ | | | ۱ | | | ۶ | |
| ۳ | ۵ | | ۷ | | ۹ | ۲ | | |
| ۴ | | | | | | ۸ | | ۹ |
| ۹ | | | ۴ | | | ۶ | | ۵ |
| | | | ۱ | ۸ | ۵ | | | ۳ |
| | ۹ | ۳ | ۲ | ۷ | ۴ | | | |
| ۵ | | ۴ | | | ۳ | ۷ | | ۲ |

## حل سودوکو ۶۳۵

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۹ | ۸ | ۷ | ۵ | ۶ | ۴ | ۱ | ۲ | ۳ |
| ۶ | ۲ | ۱ | ۷ | ۹ | ۳ | ۴ | ۵ | ۸ |
| ۵ | ۴ | ۳ | ۱ | ۲ | ۸ | ۹ | ۷ | ۶ |
| ۱ | ۵ | ۹ | ۲ | ۷ | ۶ | ۳ | ۸ | ۴ |
| ۳ | ۶ | ۲ | ۸ | ۴ | ۱ | ۷ | ۹ | ۵ |
| ۸ | ۷ | ۴ | ۹ | ۳ | ۵ | ۲ | ۶ | ۱ |
| ۷ | ۳ | ۵ | ۴ | ۸ | ۹ | ۶ | ۱ | ۲ |
| ۴ | ۹ | ۸ | ۶ | ۱ | ۲ | ۵ | ۳ | ۷ |
| ۲ | ۱ | ۶ | ۳ | ۵ | ۷ | ۸ | ۴ | ۹ |